

## ماجرای مرگ اسماعیل خان سیمیتقو

۳ شهریور ۱۴۰۰ ساعت ۱۹:۱۱

تلفنچی سرهنگ در یکی از اطاق‌ها مواظب اوضاع بود، آن‌ا با یک تیر خورشید آقا را از پای در می‌آورد. محمد پیشخدمت سرتیپ مقدم که در اطاق جلوی پنجره نشسته بوده اسماعیل آقا و عده‌ای را که به طرف باغ ملی اشنویه می‌رفته‌اند روبروی خود مواجه می‌بیند و اولین تیر را با مهارت کامل به سینه اسماعیل آقا نشانه‌گیری کرده و شلیک می‌نماید.

ماجرای قتل اسماعیل خان سیمیتقو از جمله افرادی که قصد داشت در دوران پهلوی و قاجار حکومت مستقل‌گردی تشکیل دهد و تحرکات زیادی در آن زمان داشت بسیار جالب توجه است.

یدالله ابراهیمی سرلشکر تبریز کشته شدن سمیتقو را چنین توصیف می‌کند: اسماعیل آقا ظنن می‌شود و تصمیم می‌گیرد که قوای اشنویه را بدون سروصدا از بین برده و تا شب به انتظار سرتیپ مقدم بماند و اگر نامبرده بی‌باکانه وارد اشنویه شد فوری دستگیر و نابود نماید. به همین منظور خورشید آقا را با چند نفر به خانه سرهنگ نوروزی می‌فرستد که مشارالیه را دستگیر سازد و خود نیز با قدرت سواره نظام به عده پیاده فائق آید.

خورشید آقا و همراهان به خانه سرهنگ می‌روند و در حیاط خانه سرهنگ را که در بالاخانه مشغول تفکر بوده است به صدا در می‌آورند. سرهنگ نوروزی می‌گوید الان پایین خواهیم آمد. خورشید آقا عجله کرده یک عده‌ای را برای دستگیری سرهنگ به بالا می‌فرستد. سرهنگ که صدای پای عده‌ای را در پلکان می‌شنود درب اطاق را از داخل چفت کرده به سراغ تفنگ می‌رود که اگر اتفاقی افتاد مفت به کشتن نرود.



نفرات که با درب بسته مواجه می‌گردند به درب فشار آورده و تصمیم به ورود می‌گیرند. از طرف سرهنگ تیری به طرف درب مورد تجاوز شلیک می‌شود که یکی از نوکرهای خورشید آقا هدف گلوله قرار می‌گیرد. در همین موقع خورشید آقا قراول درب منزل سرهنگ را که از صدای تیر خود را آماده کرده بود با طپانچه از پای در می‌آورد.

تلفنچی سرهنگ در یکی از اطاق‌ها مواظب اوضاع بود، آن‌ا با یک تیر خورشید آقا را از پای در می‌آورد. محمد پیشخدمت سرتیپ مقدم که در اطاق جلوی پنجره نشسته بوده اسماعیل آقا و عده‌ای را که به طرف باغ ملی اشنویه می‌رفته‌اند روبروی خود مواجه می‌بیند و اولین تیر را با مهارت کامل به سینه اسماعیل آقا نشانه‌گیری کرده و شلیک می‌نماید.

اسماعیل آقا دست را به جای زخم گذاشته و با یک فحش به عجم بر جای خود می‌پیچد. ستوان یکم مبشر نظام فرمانده گروهان که در بالاخانه مجاور بوده با تفنگ برابر پنجره می‌آید و تیر دوم را او به اسماعیل آقا شلیک می‌کند. در همین حال استوار اسماعیل خان سوار نیز که از عقب متوجه اوضاع شده بود تیر سوم را به اسماعیل آقا هدف‌گیری می‌نماید.

مرگ اسماعیل آقا و خورشید آقا افراد عشایر را بی‌سرپرست گذاشته و آرایش نظامی آنها به هم ریخته و به صورت انفرادی به دفاع برمی‌خیزند که از آنان ۴۰ نفر کشته می‌شود. جنازه اسماعیل آقا نیز در همان کوچه باقی مانده و کسی در پی جنازه و دفن آن نیست. فوراً به اشنویه دستور دادند محمد جنازه اسماعیل آقا را با اتومبیل به رضائیه بیاورد و پس از دستور طی گزارش تلگرافی مرگ اسماعیل آقا را به عرض رضا شاه رساندیم که موجب شادمانی بسیار رضا شاه و امرای ارتش گردید و به این ترتیب غائله بزرگی که مدت ۱۴ سال آذربایجان را به خاک و خون کشیده بود به ترتیب عجیبی که در فوق شرح داده شد پایان یافت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48499/سیمیٲقو-خاٲ-اسماعیٲا-مرگ-ماجرای/48499>